یادداشت روز

چرا جیغ دشمن بلند شده است؟!

«جیمز جوردانو» متخصص علوم اعصاب در بخشی از کتاب «نوروتکنولوژی در امنیت ملی و دفاع» آورده است: «مغز انسان میدان نبرد قرن بیست و یکم است. هدف این است که نه تنها آنچه مردم فکر می‌کنند، بلکه نحوه تفکر و عمل آنها نیز تغییر کند. اگر این جنگ با موفقیت انجام شود، باورها و رفتارهای فردی و گروهی را شکل داده و تحت تأثیر قرار می‌دهد تا به نفع اهداف تاکتیکی یا استراتژیک مهاجم باشد. در شکل حداکثری خود، این پتانسیل را دارد که کل جامعه را بشکند و از هم بپاشد، به‌طوری که دیگر اراده جمعی برای مقاومت در برابر نیات دشمن را نداشته باشد. در این میدان نیروی مهاجم می‌تواند بدون توسل به زور یا اجبار آشکار، جامعه را تحت سلطه خود درآورد.»

در جنگ ترکیبی، خبری از حمله نظامی نیست و دستور کار اصلی بمباران افکارعمومی است. در این جنگ، ذهن انسان‌ها به میدان نبرد تبدیل می‌شود. اغتشاشات سال گذشته یکی از مصادیق روشن در این خصوص است.

دشمن در سال گذشته عوامل فرهنگی، امنیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در کنار یکدیگر بکار گرفت تا اراده ملت را سست و امیدها را خاموش کند. رهبر معظم انقلاب- ۱۴ خرداد ۱۴۰۲- فرمودند: «طرّاحی آنها جوری بود که فکر می‌کردند کار جمهوری اسلامی تمام شده، فکر می‌کردند می‌توانند ملّت ایران را به خدمت بگیرند. احمق‌ها باز هم اشتباه کردند، باز هم ملّت را نشناختند. البتّه ملّت ایران به آنها بی‌اعتنائی کرد، به فراخوان آنها اعتنائی نکرد. جوان‌های متعهّد در خیابان‌ها، در دانشگاه‌ها توانستند کارهای بزرگی انجام بدهند...دشمن را ناکام کردند. نقشه دشمن باطل شد ولی این هشدار به همه داده شد که از کید دشمن غفلت نکنید.»

دشمن در سال گذشته با وجود سرمایه‌گذاری هنگفت، سیلی محکمی از ملت ایران خورد. اما قطعا این جنگ پایان نیافته و باید نسبت به خدعه دشمن، آگاه و هوشیار بود. به این موارد توجه کنید:

۱- براساس مصوبه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی- در جلسه ۳۰ خرداد سال جاری- وظیفه نظارت در حوزه سکوهای صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی طبق قانون اساسی و قوانین موضوعه برعهده سازمان صدا و سیما قرار گرفت. بنابر تصریح اصل ۴۴ قانون اساسی، رادیو و تلویزیون به‌صورت مالکیت عمومی بوده و در اختیار دولت است. همچنین طبق نظر تفسیری شورای نگهبان مورخ ۱۰ مهر ۱۳۷۹ انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر (همانند ماهواره فرستنده فیبر نوری و...) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران خلاف اصل مذکور است.

نکته آن که بلافاصله پس از انتشار خبر مربوط به مصوبه اخیر شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، رسانه‌های معاند و از جمله رسانه تروریستی «اینترنشنال» با عصبانیت نسبت به آن موضع گرفته و این اقدام را در تضاد با آزادی عمل «هنرمندان مستقل»! قلمداد کردند.

همزمان با خشم و عصبانیت رسانه‌های معاند، رسانه‌های منتسب به جریان مدعی اصلاحات در داخل نیز فریاد وامصیبتا سر داده و با تیترهایی از جمله «خطر تعطیلی صنعت سینما»، «علیه شبکه خانگی»، «سرعت‌گیر پاستور برای نمایش خانگی»، «به نام مردم، به کام صداوسیما» و... به این خبر واکنش نشان دادند.

شلوغ بازی رسانه‌های معاند و همصدایی مدعیان اصلاحات با این عملیات رسانه‌ای در حالی است که تولیدات شبکه نمایش خانگی، اعتراض گسترده عموم مردم را در پی داشته است. عادی‌سازی روابط نامشروع، شوخی‌های متعدد جنسی، ترویج خشونت- از جمله نمایش روش‌های شکنجه-، عادی‌سازی مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، توهین به باورهای دینی، پدرکشی و هتک جایگاه پدر و مادر، تبلیغ و ترویج ازدواج سفید، به‌کارگیری الفاظ رکیک، عادی‌سازی استفاده کودکان از دخانیات و...تنها بخشی از محتوای مبتذل تولیدات شبکه نمایش خانگی است.

اما در کنار همه این موارد، تحرکات شبکه نمایش خانگی در اغتشاشات سال گذشته نیز قابل تأمل است. در اوایل شهریور سال گذشته، دست‌کم یک‌ماه قبل از آشوب‌ها به بهانه حقوق زنان، سریالی در شبکه خانگی منتشر شد که در حقیقت راهنمای اغتشاشات با تابلوی حقوق زنان بود. این سریال با استقبال ویژه رسانه‌های معاند در خارج و جریان غربگرا در داخل مواجه شد. یکی از توصیه‌های ویژه در این سریال، اقدام مسلحانه علیه نیروهای امنیتی و نیروهای منتسب به حاکمیت بود.

پیش از آن نیز سریال دیگری در شبکه نمایش خانگی با محوریت ایجاد تنفر و خشونت علیه حافظان امنیت با تبلیغات گسترده پخش شد. نکته قابل توجه اینجاست که این سریال نیز با استقبال ویژه رسانه‌های معاند در خارج و جریان غربگرا در داخل مواجه شد و همزمان اعتراض گسترده خانواده‌ها را در پی داشت.

نحوه مواجهه آشوبگران با نیروهای حافظ امنیت در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ درمقایسه با فتنه‌های قبلی یک تفاوت عمده داشت و آن توحش و خشونت بی‌سابقه بود. قطعا تهییج رسانه‌های بیگانه و دنباله‌های داخلی آن، عامل اصلی در این خصوص بود اما بدون شک، تولیدات نمایش خانگی و از جمله دو نمونه اشاره شده نیز در این خصوص تأثیرگذار بوده‌اند.

۲- به لطف خدا، دولت سیزدهم با وجود آنکه میراث نامطلوبی از مدعیان اصلاحات و اعتدال تحویل گرفت، با «تدبیر و امید» این میدان مین را پشت سر گذاشته و با همت و تلاش شبانه‌روزی در پی رفع مشکلات و به‌خصوص مشکلات اقتصادی است و تاکنون نیز توفیقات بسیاری به دست آورده است.

حالا به این خبر توجه کنید: در روزهای گذشته دهمین دوره هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران برای انتخاب هیئت‌رئیسه این نهاد برگزار شد. کارشناسان از اتاق بازرگانی با عنوان «پارلمان اقتصادی بخش خصوصی» نام می‌برند. بخشی که موتور محرک اقتصاد کشور است. همچنین اتاق بازرگانی ایران یکی از مراکز حساس اقتصادی کشور است و دسترسی ویژه به بسیاری از اطلاعات طبقه‌بندی‌شده دارد که به‌صورت طبیعی نباید در اختیار اشخاص بدون صلاحیت قرار بگیرد با این‌حال نکته قابل تأمل این‌جاست که فردی که به‌عنوان رئیس‌جدید اتاق بازرگانی ایران انتخاب شده است، در اغتشاشات سال گذشته، حامی آشوب و التهاب بوده است.

در این انتخابات، آشکارا برخلاف قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس عمل شده است. براساس مفاد این قانون، ریاست اتاق بازرگانی جزو مشاغل مهم و حساس محسوب می‌گردد و نهادهای نظارتی یک ماه فرصت دارند تا درخصوص صلاحیت نامزدها اعلام نظر کنند.

گفتنی است که طبق گزارش مستند، عدم صلاحیت فرد منتخب به‌صورت کتبی به اتاق بازرگانی از سوی مراجع قانونی اعلام گردیده است. علاوه‌بر این حراست وزارت صمت نیز نامه‌ای مبنی بر عدم صلاحیت وی به برگزارکنندگان انتخابات اتاق بازرگانی تحویل داده بود. اما وی به رغم رد صلاحیت در انتخابات شرکت کرده است.

پس از انتشار اخبار مربوط به روند انتخاب رئیس‌جدید اتاق بازرگانی ایران، نمایندگان مجلس، رسانه‌ها و تشکل‌های دانشجویی نسبت به آن اعتراض کرده و خواستار اجرای قانون شدند. در این مورد نیز رسانه‌های معاند و جریان غربگرا به صورت ویژه از این فرد حمایت کرده و اصرار دارند که وی در مسند ریاست اتاق بازرگانی ایران باقی بماند، آن هم شخصی که آشکارا حامی اوباش و تروریست‌ها بوده و در جنگ ترکیبی، آب به آسیاب دشمن ریخته است. به نظر شما شخصی که برای براندازی، توئیت منتشر کرده و هشتگ می‌زد، می‌تواند امانتدار اسرار نظام بوده و در جنگ اقتصادی، مقابل دشمن بایستد؟!

۳- نوع واکنش رسانه‌های دشمن به این دو فقره، حاکی از آن است که هم در موضوع شبکه نمایش خانگی و هم در موضوع اتاق بازرگانی ایران، نقطه‌زنی انجام شده و همین مسئله جیغ و داد بازوهای رسانه‌ای دشمن و دنباله‌های داخلی آن را به دنبال داشته است.

بر همین اساس لازم است که دستگاه‌های ذی‌ربط به پشتوانه مطالبه قاطبه مردم عزیز ایران و بدون تأثیرپذیری از شلوغ بازی رسانه‌های معاند و دنباله‌های داخلی، قانون را اجرا کرده و نقشه دشمن را ناکام بگذارند.

در بخشی از آیه ۱۱۲ سوره مبارکه هود آمده است: «فَاستَقِم کَما اُمِرتَ وَ مَن تابَ مَعَکَ»؛ پس، همان‌گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با همراهی تو به خدا رجوع کرده [نیز چنین کند]...»؛ ملت ایران هوشیار است و همان‌طور که به بانیان و حامیان جنگ ترکیبی در سال گذشته سیلی زد، پس از آن نیز چنین خواهد کرد و از کید دشمن غافل نخواهد شد؛ ان شاءالله.

مسعود اکبری

کیهان بررسی کرد

مسابقه مدعیان اصلاحات با دشمن در یأس آفرینی

سرویس سیاسی-

سیاست کثیف دشمنان ملت ایران، یعنی سانسور نقاط قوت، برجسته‌سازی نقاط ضعف و در نتیجه یأس‌آفرینی و پمپاژ نومیدی از سوی برخی جریانات سیاسی و رسانه‌ای داخلی نیز دنبال می‌شود.

مسائل و مشکلات اقتصادی کشور مدت‌هاست به همان اندازه که موجب رنج و سختی مردم شریف ایران می‌شود، تبدیل به دستاویزی برای هجمه غرض‌ورزان علیه نظام اسلامی و پوششی برای بیان ادعاهای گوناگون و طرح خواسته‌های نامشروع از سوی افراد و جریان‌های سیاسی گشته است.

حزب اتحاد ملت ایران اسلامی که در حقیقت تابلوی دیگر حزب منحله مشارکت است، اخیرا اقدام به صدور بیانیه‌ای نموده که در آن با بیان برخی معضلات اقتصادی، نسبت به «بحران در یک قدمی اقتصاد ایران» هشدار داده است.

گرچه در این‌جا بنا نداریم به بررسی و نقد تخصصی گزاره‌های اقتصادی که در بیانیه به آنها استناد شده و تحلیل‌هایی که صورت گرفته بپردازیم، توجه به چند موضوع در متن بیانیه قابل توجه است.

مغالطه همیشگی برای فرار از پاسخگویی

در قسمتی از بیانیه حزب اتحاد ملت آمده است: «عدم تناسب میان رشد نقدینگی با رشد اقتصادی علت اصلی ایجاد تورم در اقتصاد ایران به ویژه در دهه اخیر بوده است. غم‌انگیزتر اینکه طی همین دهه مقامات ارشد نظام همواره شعار افزایش تولید سر داده‌اند! بدین ترتیب می‌توان مدعی شد که موضوع عدم مهار تورم تنها ضعف این دولت و آن دولت نبوده است و شیوه حکمرانی و رویکردهای حاکمیتی سنگ‌بنا و استمرار وضعیت تورمی در اقتصاد ایران بوده است.»

«شیوه حکمرانی»، «رویکردهای حاکمیتی»، «ساختارهای کلی نظام» و امثال این کلیدواژه‌ها بسیار در گفته‌ها و نوشته‌های مدعیان اصلاحات به چشم می‌خورد و عامل اغلب مشکلات و معضلات جلوه داده می‌شود. بی‌آنکه تعریف دقیقی از آنها ارائه شود.

در حقیقت ریشه تلاش مدعیان اصلاحات برای گفتمان‌سازی این کلیدواژه‌ها به این حقیقت باز می‌گردد که افراد وابسته به این جریان سیاسی به خوبی می‌دانند از میان هشت دولت مستقر پس از جنگ تحمیلی تا انتهای دهه ۹۰، شش دولت مورد حمایت آنها بوده‌اند و باید پاسخگوی عملکرد این دولت‌ها در عرصه‌های گوناگون باشند. لذا برای فرار از پاسخگویی، ناکامی‌ها و مشکلات را به لایه‌ای بالاتر از دولت‌ها حواله می‌دهند و این‌گونه وانمود می‌کنند که هر دولتی بر سر کار بیاید، به دلیل تصمیماتی که ادعا می‌شود در «حاکمیت» گرفته می‌شود، هیچ توانی برای اصلاح امور نخواهد داشت!

روشن است که دولت‌های گوناگون پس از انقلاب اسلامی رویکردهای مختلفی داشته‌اند و این گزاره که هیچ دولتی در مهار تورم موفق نبوده پس مشکل از حاکمیت است، مغالطه‌ای بیش نیست که برای فرار از پاسخگویی و تحریف حقایق صورت می‌گیرد.

البته خوب است رسانه‌های طیف موسوم به اصلاحات اگر دغدغه ریشه‌یابی مشکلات اقتصادی را در دولت‌های مختلف دارند، به مبانی نظری علم اقتصادی که سال‌هاست در دانشگاه‌های کشور تدریس می‌شود و آراء نظریه‌پردازان اقتصادی فارغ‌التحصیل این دانشگاه‌ها یا دانشگاه‌های خارج کشور که هدایتگر دولت‌ها بوده‌اند، بپردازند و آنها را مورد نقد قرار دهند که البته از این امر گریزان‌اند. زیرا نقدهایی اساسی به اقتصاد لیبرال و وام‌گرفته از غرب وجود دارد که حامیان آن مایل نیستند مطرح شود.

بیان مشکلات بدون ذکر دستاوردها نشانه عدم صداقت است

در بخش دیگری از بیانیه مذکور آمده است: «دولت برای خروج از شرایط و گرداب سهمگین تورمی و درنیفتادن به چاه ویل و تاریک ابرتورم باید به سرعت با تهیه و تدوین برنامه‌ای روشن زمینه‌های بهبود فضای کسب و کار و رشد اقتصادی را در کشور فراهم سازد.»

البته بیان اینکه دولت باید این کار را انجام دهد یا آن کار را انجام ندهد، محل‌اشکال نیست و البته هزینه‌ای هم ندارد و آسان است! اما اینکه در بیانیه مذکور در کنار بیان مشکلات و ارائه پیشنهاداتی کلی، هیچ اشاره‌ای به اقدامات مثبت دولت در زمینه بهبود فضای کسب و کار و رشد اقتصادی صورت نگرفته است، دلیلی بر عدم صداقت نگارندگان است.

مطابق آمار، ارزیابی بخش صنعت در سال ۱۴۰۱ در مقایسه با سال قبل از آن، رشد ۵،۱ درصدی نشان می‌دهد و این رشد حکایت از آن دارد که بخش تولید شرایط مساعدی را برای ارائه کالا در بازار ایجاد کرده است.

در بیانیه مذکور، به افزایش بی‌رویه نقدینگی به عنوان علت بسیاری از مشکلات اقتصادی اشاره شده لکن این حقیقت بیان نشده که روند رشد دوازده ماهه پایه پولی با آغاز به کار دولت سیزدهم و متاثر از رویکرد انضباط‌گرایانه دولت و سیاست‌های پولی و نظارتی فعال بانک مرکزی به طور قابل ملاحظه‌ای کاهشی بوده و از ۴۲.۸ درصد در پایان تیرماه ۱۴۰۰ به ۳۳،۴ درصد در پایان مهرماه سال ۱۴۰۱ رسیده است.

نگارندگان بیانیه از لزوم بهبود فضای کسب و کار سخن رانده‌اند، گفتنی است فعال شدن پایگاه ملی مجوزها یکی از اقدامات مهم دولت در این زمینه بوده است. این پایگاه از سال ۸۶ طبق ماده ۷ قانون اجرایی شدن اصل ۴۴ باید فعال می‌شد اما عملا به دلیل تعارض منافع دولتی‌ها تحقق پیدا نمی‌کرد. وزارت اقتصاد با جدیت این مسئله را دنبال کرد و با حذف یک‌هزار شرط مبهم از مجوزهای کسب و کار، تسهیل قابل توجهی در فرآیند صدور مجوز برای کارآفرینان صورت گرفته است.

گویی بیانیه دو سال پیش نوشته شده است

اما یکی از نکات جالب توجه بیانیه مذکور آنجاست که به مسئله تاثیر سیاست خارجی بر اقتصاد اشاره کرده و آورده است: « بدیهی است که انزوای ایران و به حداقل رسیدن سهم ایران از اقتصاد جهانی، کنار گذاشتن ایران از زنجیره تولید و سرمایه جهانی، از دست رفتن بازارهای صادراتی ایران، که ناشی از سیاست خارجی نادرست و روابط بین‌المللی تضعیف‌شده ایران است باید هر چه سریع‌تر اصلاح و سیاست تنش‌زدائی با دیگر کشورها با همه الزاماتش در دستور کار دولت قرار گیرد.»

این روزها موفقیت‌های دولت سیزدهم در بهبود روابط با کشورهای مختلف به حدی آشکار شده که اخیرا برخی قلم به دستان مخالف دولت نیز ناگزیر به آن اعتراف می‌کنند، اما نگارندگان این بیانیه به نظر می‌رسد آن را دو سال پیش نوشته باشند! یعنی در زمان دولتی که گرچه شعارش بهبود روابط با جهان و تنش‌زدایی بود، اما در عمل جهان را در آمریکا و اروپا خلاصه کرد و گرچه با دیپلماسی التماسی قادر به تنش‌زدایی با آنها نیز نشد لکن فرصت‌های بسیاری را در بهبود روابط با کشورهای منطقه و همسایه سوزاند که مصداق بارز «سیاست خارجی نادرست» و «روابط بین‌المللی تضعیف شده» بود و البته دولت فعلی در حال احیای آنهاست.

حامیان دولت ناکارآمد سابق طلبکار هم شده‌اند!

مدعیان اصلاحات در بیان مشکلات موجود کشور و انتقاد از مسئولین به گونه‌ای عمل می‌کنند که گویا حافظه تاریخی مردم را پس از گذشت تنها دوسال از پایان عمر دولت محبوبشان به سخره گرفته‌اند! دولتی که بدون اغراق، ضعیف‌ترین و ناکارآمدترین دولت پس از انقلاب بود و با حمایت صریح و قاطع جریان اصلاح‌طلب، قدرت را در دست گرفت.

حال کسانی که در حقیقت باید به خاطر حمایت از دولت‌های یازدهم و دوازدهم، پاسخگوی عقب‌ماندگی اقتصادی دهه ۹۰ باشند، طلبکار نیز شده‌اند و بی‌پروا به گونه‌ای انتقاد می‌کنند که گویی هیچ نقشی در مشکلات فعلی نداشته‌اند! جالب است که برخی از سران مدعی اصلاحات پس از روی کار آمدن حسن روحانی با وعده‌های چرب و شیرین اقتصادی، اظهار می‌کردند که این دولت باید سال‌ها وقت صرف «آواربرداری» از آنچه دولت پیشین ویران نموده است کند!

مسابقه مدعیان اصلاحات با دشمن در یأس‌آفرینی

اما دال مرکزی این بیانیه و البته سایر مواضع مدعیان اصلاحات، دمیدن روحیه یأس و ترس در دل مردم شریف ایران است. آنها به این بهانه که دلسوز کشور و مردم‌اند، به بیان مشکلات با چاشنی اغراق و بدبینی نسبت به آینده می‌پردازند.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

کی وسط باشه؟!

گفت: یک گزارش موثق از اختلاف شدید میان گروه‌های مدعی اصلاحات خبر می‌دهد.

گفتم: این اختلافات از قبل هم بود ولی مدتی است که شدت بیشتری گرفته است تا آنجا که بعد از چند جلسه بحث و گفت‌وگو نتوانستند درباره اعتقادشان به خط امام به توافق برسند و بیانیه مشترک صادر کنند!

گفت: خبرها حاکی از آن است که گروه‌های مدعی اصلاحات به علت مشکلات فراوانی که در دوران مسئولیت خود برای مردم پدید آورده‌اند و نابلدی‌هایی که در اداره امور اجرایی از خود بروز داده‌اند، امیدی به رویکرد مردمی ندارند و معتقدند که حتی با عذرخواهی از مردم هم کاری از پیش نمی‌رود.

گفتم: حالا چرا به جان هم افتاده‌اند؟!

گفت: اظهاراتشان نشان می‌دهد که گیج شده‌اند و خودشان هم نمی‌دانند چه می‌خواهند! خاتمی ضرورت حجاب را انکار می‌کند. آن یکی اعتراف می‌کند که برجام فاجعه بوده است، دیگری پیوند پر رنگ اصلاحات به آمریکا را خطرناک می‌داند! و...

گفتم: دو نفر می‌خواستند روی یک نیمکت بنشینند و چند ساعت سر این که کدامیک وسط بنشیند با هم بحث و بگو مگو داشتند!

روزنامه سعودی:

دیدار سفرای ایران و عربستان در بیروت در راستای تحقق «توسعه پایدار» است

یک رسانه سعودی در تحلیلی به دیدار اخیر سفرای تهران و ریاض در بیروت پرداخت و نوشت که این دیدارها در راستای تحقق توسعه پایدار میان دو کشور در حال انجام است.

روزنامه سعودی عکاظ نوشت: اخیرا تعدادی از سفرای کشورهای عربی و اسلامی و در راس آنها مجتبی امانی، سفیر ایران در لبنان در ضیافت شام ولید البخاری، سفیر عربستان در بیروت شرکت کردند. این روزنامه در این باره نوشت: این دیدارها در چهارچوب «سیاست دیپلماسی» عربستان که به دنبال حل تمام اختلافات منطقه و وارد شدن به مرحله سازنده و به‌کار گرفتن تمام امکانات به سوی تحقق توسعه پایدار انجام شد. این روزنامه سعودی همچنین نوشت که این دیدارها در ادامه توافق ایران و عربستان در پکن و بازگشایی سفارت ایران در ریاض و بازگشایی قریب‌الوقوع سفارت ریاض در تهران انجام شد به ویژه اینکه فیصل بن فرحان، وزیر خارجه سعودی اخیرا به ایران سفر کرد و تاکید کرد که دو کشور در حال حاضر تلاش‌های گسترده‌ای در راستای تداوم اقدامات دیپلماتیک انجام می‌دهند.

به گزارش ایسنا، مجتبی امانی سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان در ضیافت شام «ولید البخاری» همتای سعودی خود در بیروت شرکت کرد.

مجتبی امانی در صفحه توئیتر خود با انتشار تصاویری از این مراسم و تشکر از سفیر عربستان به خاطر این دعوت نوشت: امیدواریم فضای آشتی و همگرایی بر روابط بین همه کشورهای منطقه حاکم شود.

واکنش وزیر کشور به احتمال برگزاری انتخابات تناسبی

وزیر کشور درباره برگزاری انتخابات تناسبی گفت: این طرح هنوز تبدیل به قانون نشده است.

احمد وحیدی، وزیر کشور درباره تصمیم نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای برگزاری انتخابات تناسبی در تهران، گفت: ما تابع قانون هستیم ولی این طرح هنوز به قانون تبدیل نشده است. اگر طرح نمایندگان به قانون تبدیل شد، از آن تبعیت می‌کنیم.

خبر ویژه

چرا شریک حماقت‌ها و خیانت‌های منافقین شدید؟!

روزنامه زنجیره‌ای اعتماد، سرنوشت سازمان منافقین را خفت‌بار و آموزنده توصیف کرد.

این روزنامه به قلم عباس عبدی نوشت: «وضعیت مجاهدین خلق [منافقین] را که می‌بینیم، بسیار متاسف می‌شویم که چگونه ممکن می‌شود حضور مجموعه‌ای از افراد در دل چنین ساختاری ادامه پیدا کنند و در قالب فرقه‌ای متحجر درآیند و انواع و اقسام شکست‌ها و خفت‌ها را تجربه کنند، ولی همچنان در سنین بالای ۵۰ تا ۷۰ سالگی به چنین خط‌مشی احمقانه‌ای ادامه دهند. این تداوم وضعیت در حالی است که می‌بینند، حتی فرزندان و نوه‌های آنان، راه خویش را جدا کرده‌اند و در مسیر دیگری قرار گرفته‌اند. در این یادداشت می‌خواهم دو شاخص را برای فهم و سنجش آینده این نیروها یا هر نیروی دیگر معرفی کنم. اولین مورد، شاخص آزادی است. هر گروه سیاسی یا دولت اگر به آزادی نقد و بیان به ویژه نزد نیروهای داخلی خودش ملتزم نباشد، دیر یا زود یا از هم می‌پاشد یا به فرقه تبدیل می‌شود. موضوع آزادی نقد و بیان چنین است که اگر جلوی آن گرفته شود، حد یقفی ندارد و مجبور می‌شوند دایره را تنگ‌تر و تنگ‌تر کنند، سپس به جایی می‌رسند که به یک باره کل ساختار ضدِ نقد فرو می‌ریزد، مثل آنچه در سازمان چریک‌های فدایی خلق رخ داد یا به سوی فرقه‌ای شدن پیش می‌رود که آزادی را به سوی صفر می‌برد، مثل آنچه در فرقه مجاهدین یا رجوی رخ داده است. شاید برای ما قابل تصور نباشد که یک فرد چگونه ممکن است تا این‌اندازه تابع رهبری فرقه شود که جنگ داخلی را تجربه کند و هزاران نفر را بکشد و کشته شود، سپس برود عراق با دشمن دو ملت ایران و عراق به نام صدام همدست شود و فاجعه فروغ جاویدان یا مرصاد را رقم بزند.

بعد در اردوگاه‌های مبتذل بدون ذره‌ای آزادی زندگی کند و صدایش در نیاید و آخر هم با این وضعیت در آلبانی که خارج از جهان سیاست است پرتاب شود و حیات و ممات آنها به دست آمریکا باشد که روزی افتخار این گروه ترور چند نفر از مستشاران آمریکایی در تهران بود. این وضعیت محصول فقدان آزادی بیان است. آزادی درون‌گروهی در هر ساختاری، اعم از حزب، گروه، دولت یا کشور و... برای بقای آن ضروری است و هر نهاد و ساختاری که این ویژگی را نداشته باشد، سرنوشت آن در بهترین حالت چریک‌های فدایی خلق است که پس از شکست از روی اجبار تن به تغییر خط‌مشی دهند و در بدترین حالت سازمان مجاهدین خلق است که چهارنعل راه گذشته را ادامه دهد و اعضای فرقه را از بدیهی‌ترین حقوق برای درک از حقیقت محروم کند و اقدامات مبتذل رهبری سازمان را با لطایف‌الحیل توجیه کند. چقدر گردان‌های سایبری توجیه‌گر این نوع ساختارهای بسته، شبیه یکدیگرند؟

معیار دوم عینی‌تر است، فرزندان. هر نسل یا سازمانی یا حکومت یا هر ساختار دیگری که نتواند با نسل بعد از خود تعامل داشته باشد، به‌طور قطع و یقین نابود خواهد شد. البته این مسئله نیز مربوط به موضوع آزادی است ولی عینی‌تر است و قابل پوشاندن نیست.

فیلمی که از اردوگاه اشرف منتشر شد، ظاهرا فاقد نیروی جوان بودند، متوسط سن حاضران آن اردوگاه باید بالای ۵۵ تا ۶۰ و ۶۵ سال باشد. چنین گروهی نیاز نیست کشته شوند یا بمیرند، به قول حافظ «بر او نمرده به فتوای من نماز کنید.» جوان یعنی آینده، مجموعه‌ای که آنان را ندارد، یعنی فاقد آینده است. همان‌گونه که زاد و ولد موجب ادامه حیات جامعه می‌شود، در سازمان‌ها و حکومت‌ها و نهادها نیز زاد و ولد موجب تداوم حیات آن می‌شود. البته نه هر جوانی که جوانان رانتی بلای جان چنین نهادها و حکومت‌هایی خواهند بود. با این دو معیار می‌توانیم آینده هر جریان و نهاد و ساختاری از جمله مجاهدین خلق را در ایران پیش‌بینی کنیم».

یک بار دیگر قضاوت نویسنده روزنامه اعتماد را مرور کنید: «تجربه انواع و اقسام شکست‌ها و خفت‌ها، خط‌مشی احمقانه، کشتن هزاران نفر، همدستی با دشمن متجاوز و رقم زدن فاجعه فروغ جاویدان، اردوگاه مبتذل بدون ذره‌ای آزادی، حیات و ممات‌شان دست آمریکاست، زندگی فرقه ای، گروهی مَرده و بی‌آینده».

اینها قضاوت درستی است و اکنون باید از باب «الزموهم بما الزموا علیه انفسهم»، از برخی مدعیان اصلاح‌طلبی در این روزنامه و فراتر از آن پرسید، اگر سازمان منافقین به همین نکبتی و بی‌آیندگی است که بیان می‌کنید -و بدتر از اینها هم هست- چرا در بسیاری از پروژه‌های آمریکایی و صهیونیستی که این سازمان تروریستی هم در آن به بازی گرفته شده بود، نقش‌آفرینی کردید و پذیرفتید همبازی فسیل‌های سازمان منافقین و سلطنت‌طلبان و بهائیان و کومله و ریگی و نهضت آزادی و... باشید؟ آخرین بار که همین گروهک‌های وطن‌فروش در اغتشاشات پاییز معرکه گرفته بودند و از دروغ‌پراکنی، عوام‌فریب، آشوب‌افکنی، شرارت و آدم‌کشی، مسجد سوزی و هتک حرمت مقدسات دریغ نمی‌کردند و توهم براندازی داشتند، چرا شما و سران‌تان با اشرار آشوبگر همراه شدید و نام این شرارت سازمان یافته را هم اعتراض مدنی گذاشتید؟!

یا مثلا چرا در فتنه و آشوب ۱۳۸۸ با دروغ شرم‌آور تقلب در انتخابات (که خاتمی و تاجزاده و عطریانفر و ابطحی و امثال آنها به دروغ و نا ممکن بودن تقلب آن هم در مقیاس ۱۳ میلیون رای معترف بودند)، زمینه معرکه‌گیری گروهک‌هایی مانند منافقین و آشوب علیه جمهوریت و اسلامیت را فراهم ساختید؟ سازمان وطن‌فروش منافقین خائن‌تر بود یا شماها که اغلب مقدمه‌ساز تحرکات گروهک‌های مزدور بوده‌اید؟!

تحلیلگر آمریکایی: بایدن با حقارت در حال امتیاز دادن به ایران است

تحلیلگر «موسسه امریکن اینترپرایز» با بیان این‌که «جو بایدن» برای فرار از نظارت کنگره، معامله با ایران را توافق نمی‌نامد، افزود: این عقب‌نشینی دولت بایدن در مقابل ایران است.

متیو کانتینتی در مورد ماهیت توافق محتمل ایران و آمریکا نوشت: به عنوان یک مقام ارشد امنیت ملی تصور کنید! یک قدرت خارجی با دیدگاه انقلابی چند دهه تلاش کرده تا قدرت و اتحادهای آمریکا را در یک منطقه حساس تضعیف کند. این کشور بزرگ‌ترین حامی تروریسم در جهان است و به حمایت و هدایت نیروهای نیابتی می‌پردازد که نیروهای آمریکایی را کشته‌اند یا معلول کرده‌اند.

هدف آن کشور بیرون راندن ایالات متحده از منطقه‌ای از جهان و نابودی نزدیک‌ترین متحد آمریکا در خاورمیانه بزرگ است. این کشور پهپادها و سایر تسلیحاتی را که روسیه برای تداوم جنگ اوکراین مورد استفاده قرار می‌دهد، تامین می‌کند.آیا شما تمایل دارید با چنین رژیمی توافق کنید؟ اگر پاسخ شما- برخلاف همه شواهد- مثبت است، می‌توانید منتظر یک شغل کوتاه‌مدت و ناخوشایند در وزارت امور خارجه جو بایدن باشید. چرا که رئیس‌جمهور بایدن با دادن جایزه به جمهوری اسلامی ایران برای اقدامات نامطلوب مختلف آن، در آستانه خیانت به کنگره قرار دارد.

براساس گزارش‌های خبری، بایدن آماده است تا در ازای آزادی زندانیان آمریکایی، توقف حملات شبه نظامیان به نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه، همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نفروختن موشک بالستیک به روسیه و توقف غنی‌سازی اورانیوم در ۶۰ درصد (اورانیوم غنی شده ۹۰ درصد درجه تسلیحاتی محسوب می‌شود)، میلیاردها دلار به ایران بپردازد. بایدن خواهد گفت که این ترتیبات معیوب برای آزادی بیگناهان و جلوگیری از وقوع جنگ ضروری است. کاری که او قادر به انجام آن نخواهد بود این است که آن را یک معامله بنامد.

بایدن نمی‌تواند این معامله را یک توافق بنامد زیرا می‌خواهد آن را از بررسی کنگره دور نگاه دارد. قانون بازبینی توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵، رئیس‌جمهور آمریکا را از لغو تحریم‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی بدون تایید کنگره منع می‌کند. اقدام خط‌شکنانه دولت حول محور قانون اگرچه هوشمندانه است، اما تاثرآور نیز می‌باشد.

معامله‌ای که جرأت نمی‌کنند نام آن را به زبان بیاورند، قدرتی نخواهد داشت. این معامله به طور کامل به حسن نیت «آیت‌الله علی خامنه‌ای» زیرک بستگی خواهد داشت.

روزنامه «نیویورک تایمز» گزارش داد که او به این شرط اجازه توافق را داده که زیرساخت‌های هسته‌ای ایران پابرجا بماند. لحظه‌ای که بایدن به منطق پرداخت باید بیشتر به ایران شک کند، رهبر ایران یک بار دیگر چرخیدن سانتریفیوژهای خود را شروع خواهد کرد و اگر گروه‌های شبه‌نظامی تحت کنترل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به آمریکایی‌ها خمپاره شلیک کنند- او می‌تواند بگوید که از سوی شبه‌نظامیانی صورت گرفته است که وی هیچ کنترلی روی آنها ندارد.

توجه داشته باشید این توافق که توافق نیست، چون در آن چیزی در مورد مرگبارترین نماینده ایران، حزب‌الله، یا در مورد رفت و آمد هواپیماهای بدون سرنشین ایران چیزی گفته نشده است. این نادیده گرفتن با عادت ناخوشایند بایدن برای فروختن متحدان آمریکا از جمله دولت افغانستان، مردم لبنان، سوریه و البته اسرائیل، یا اوکراینی‌ها همخوانی دارد. رشوه بایدن یعنی همان چیزی که «ریچارد گلدبرگ» از بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها آن را استراتژی «پرداخت کن و دعا کن» برای تقویت ماشین ترور ایران، به این امید که هسته‌ای نشود –از نظر دامنه محدود و فاقد پاسخگویی است و هدف استراتژیک ندارد. اهداف آن سیاسی هستند.

بایدن می‌خواهد خاورمیانه را پیش از انتخابات ۲۰۲۴ آرام نگه دارد. او با وجود کمک‌های ایران به روسیه، اجازه داد تا این مذاکرات در عمان ادامه یابد؟ چرا دولت او از تنش‌زدایی بین عربستان و ایران که چین در ماه‌آوریل میانجی آن بود، استقبال کرد. و چرا او تسلیم حقارت پرداخت به سرکشان، به خاطر قول آنها برای رفتار خوب در چند حوزه مشخص شده است؟ این روایت تا حدی به کاهش انتظارات دیپلماتیک مربوط است. بایدن پول می‌پردازد تا صرفا بماند. این نیز عرصه دیگری از حماسه بی‌کفایتی جو بایدن است. پرزیدنت بایدن در معدود بحث‌های خود از سیاست خارجی، روابط بین‌الملل را به عنوان مبارزه‌ای بین دموکراسی و استبداد ترسیم کرده است. من تمایل دارم این موضوع را بپذیرم. وقتی به اقدامات او نگاه می‌کنم، او تمایل وحشتناکی دارد که دست برتر را به اقتدارگرایان بدهد.

مماشات با ایران هیچ کمکی به دموکراسی نمی‌کند؛ همان‌گونه که تلاش برای تنش‌زدایی با چین که از زمان حادثه بالون جاسوسی در اوایل سالِ جاری، با آن به شدت افزایش یافته است، نتیجه نمی‌دهد؛ همان‌طور که تحویل کُند تسلیحات به اوکراین در حالی که آینده آن در ناتو درهاله‌ای از ابهام قرار دارد، موثر نخواهد بود.بایدن در معامله با ایران دچاراشتباه می‌شود چون این معامله منجر به شکست شده و مورد دیگری در فهرست اقدامات ناامیدکننده او به حساب خواهدآمد.

کشورهای منطقه فهمیدند آمریکا نمی‌تواند با ایران بجنگد

روزنامه سعودی تاکید کرد آمریکا قادر به درگیری نظامی با ایران نیست و کشورهای عربی هم با مشاهده ناتوانی آمریکا، به این نتیجه رسیده‌اند که با ایران تفاهم و سازش کنند.

روزنامه «الشرق‌الاوسط»، درباره اجرای وعده‌های غرب به ویژه آمریکا به دولت‌های عربی برای برخورد با ایران، ابراز ناامیدی کرد و نوشت: «درگیری پیش‌بینی شده میان ایران و غرب به یک شوخی تبدیل شده است. آمریکا و اسرائیل تهدیدهای خود را عملی نکردند و ایران بدون نگرانی به توسعه برنامه هسته‌ای خود ادامه داده است. چرا این یک شوخی است؟ زیرا در واقعیت امر، آن را مشاهده کرده‌ایم: از تهدیدهای پرزیدنت بوش علیه ایران گرفته تا تهدید اوباما، ترامپ و در نهایت اظهارات بایدن که نوامبر گذشته اعتراف کرد که توافق برجام مرده است. بنابراین، منصفانه است که بگوییم ایران صادق‌تر بوده و آمریکا و متحدان‌اش دروغگوتر بودند؛ آنان به ایران حمله نظامی نکردند و زمانی که ترامپ از برجام خارج شد و ایران غنی‌سازی اورانیوم خود را افزایش داد و هزاران سانتریفیوژ نصب کرد، آمریکا و متحدان‌اش هیچ کاری انجام ندادند.

در واقع، آمریکا از رویارویی با ایران اجتناب ورزیده است. اکنون ایران دانش فنی و ذخایر اورانیوم غنی شده به‌اندازه کافی برای ساخت یک بمب اتمی را در اختیار دارد. در مورد این که چرا ایران تاکنون بمب اتمی را نساخته، می‌توان دو موضوع را ذکر کرد. مقام عالی رهبری جمهوری اسلامی ایران دستیابی به بمب اتمی را از نظر شرعی حرام دانسته‌اند. نکته دوم آن‌که ایران نمی‌خواهد پیشرفت خود را به خطر بیندازد و به همین دلیل تصمیم گرفته با صراحت پاسخ دهد و بهانه‌ای ندهد و از برنامه هسته‌ای برای تقویت موقعیت خود در عرصه بین‌المللی و منطقه‌ای استفاده نماید.

اجازه دهید بپذیریم که سیاست ایران، پیچیده و هوشمندانه بوده است. ایرانی‌ها همواره حواس‌شان به تحولات منطقه‌ای و جهانی بوده است. منظور از پیچیدگی، آن است که ایران به جای آن‌که منتظر بماند، خود شرایط مناسب را ایجاد می‌کند. منظور از هوشمندانه بودن، آن است که ایران در هر مرحله محاسبات دقیقی انجام می‌دهد و می‌داند چه زمانی باید عقب‌نشینی کند تا آنچه را که به دست آورده، هدر ندهد. اکنون مذاکرات میان ایران و آمریکا از طریق میانجی‌گری عمان در حال انجام است و دو طرف اکنون نیاز به یک توافق جدید به جای برجام را احساس می‌کنند.

در واقع، رهبری آمریکا قانع شده که شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاب می‌کند بین بد و بدتر انتخاب کند. اگر ایران به دانش و مواد مورد نیاز برای ساخت بمب دست پیدا کند، بد است، اما اگر ایران بمب اتمی بسازد بدتر است. در حالت دوم، جنگی که ایالات متحده در شرایط کنونی طرفدار آن نیست، آغاز خواهد شد. اصرار واشنگتن بر نادیده گرفتن نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل و هشدار او در مورد اقدام نظامی ممکن است نشان‌دهنده این باشد که ایالات متحده، اکنون مشتاق اجتناب از رویارویی با بدترین سناریو است. با این وجود، پرسشی مبرم در این‌جا بی‌پاسخ باقی می‌ماند: چرا آمریکا شرط‌بندی خود بر روی ایران را باخت؟ و موضع اعراب در قبال این تحولات چه خواهد بود؟»

اولا آمریکا زمانی‌که قدرت بلامنازع در جهان تک قطبی بود، با حمله نظامی به عراق به جای حمله به ایران، متحمل شکست شد. بدتر از این‌که آمریکا در عراق و افغانستان، با ایران همکاری کرد و شبکه شبه نظامیان مورد حمایت ایران که در جهان عرب برای محاصره اسرائیل و کشورهای متحد ایالات متحده در حال ایجاد بود را نادیده گرفت. این موضوع باعث شد که بسیاری در جهان عرب به این نتیجه برسند که آمریکا با ایران سازش کرده است.

ثانیا وضعیت ژئوپولیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی تغییر کرد. جنگ اوکراین، این فرصت را به ایران داد که حمایت روسیه را در ازای حمایت نظامی ایران تضمین کند. این بدان معنا بود که نمی‌توان از طریق شورای امنیت سازمان ملل اقدامی علیه ایران انجام داد و از مشروعیت بین‌المللی برخوردار شد. علاوه‌بر این، رقابت بین آمریکا و چین، به ایران این امکان را داده است که روابط خود را با چین گسترش دهد.

ایران همچنین متوجه شد که اعراب از دریافت کمک آمریکا و متحدان‌اش ناامید شده‌اند و از این موقعیت به نفع خود استفاده کرد. این خود ضربه بزرگی به غرب است. رقبای چینی آنان جایگاه خود را در منطقه‌ای محوری برای تجارت جهانی و تامین انرژی تقویت کرده‌اند. به نظر می‌رسد موضع اعراب با تغییراتی که در منطقه در حال انجام است، همسو شده است. اعراب متقاعد شده‌اند که جنگ به نفع آنان نیست. دیگر هیچ چیز آنان را دور یکدیگر جمع نمی‌کند. مذاکرات با ایران می‌تواند به آنان فضای تنفسی بدهد و به آنها اجازه دهد تا رویکردی برای توسعه ظرفیت نظامی خود و ایجاد اتحادها و منافع تجاری ایجاد کنند.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵ ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر
سامانه پیام کوتاه ۳۰۰۰۲۳۲۳ - ۳۰۰۰۷۱۹۳۲

*با ریل‌گذاری‌های درستی که دولت آقای رئیسی مشغول آن است و گره‌های کوری که باز می‌شود، به دوستداران انقلاب و علاقه‌مندان به ایران می‌خواهم بگویم مواظب باشند اسیر شیوه‌های دشمن که بدبین‌سازی به حرکت سیاسی کشور و مسئولین است نشوند و شک نکنند که با عنایت خداوند در اقتصاد هم پیروز خواهیم شد، فقط صبر و بردباری و استقامت لازم است.

مجتبوی

*وزیر خارجه عربستان در ملاقات با آقای رئیسی ریاست محترم جمهور برخلاف میل غربگرایان گفت تعامل کشورهای اسلامی تضمینی برای عدم دخالت بیگانگان در منطقه است. اینکه وزیر خارجه سعودی در تعامل با ایران حرف از عدم دخالت بیگانگان بزند، نشان از درک عمیقی است که سعودی‌ها از قدرت ایران، و ناتوانی آمریکای درحال افول، پیدا کرده‌اند. این موضع‌گیری بن‌فرحان در تهران که تلویحا به تحقیر آمریکا پرداخته، اتفاق کوچکی نیست و از دل آن می‌شود به تغییر نگاه حاکمان سعودی نسبت به آمریکا، پس از نزدیک شدن به جمهوری اسلامی پی برد.

وکیلی

*یکی از نقاط قوت دولت سیزدهم افزایش تحرک در عرصه دیپلماسی و تنوع سبد ارتباط با کشورهاست. برای مثال راه‌اندازی کریدور شمال به جنوب می‌تواند در آینده ایران را به مسیر جایگزین کانال سوئز برای بسیاری از کشورها تبدیل کند یا با تبدیل ایران به هاب گازی و غلات دو مشکل دیرین کشور یعنی کمبود انرژی و غلات مرتفع خواهد شد. همچنین کارهای بزرگی که در سفر به آمریکای جنوبی مانند پالایشگاه و کشت فراسرزمینی انجام شد واقعا مایه امیدواری و جهش رو به جلو است. اما فراموش نکنیم که باید بین کارهای زودبازده و تأثیرگذار در معیشت و امید مردم و اقدامات اساسی و بنیادین دیربازده تناسب برقرار باشد.

نقیبی زاده

* رئیس‌پلیس پاریس فرانسه با ارسال نامه‌ای تجمع سالیانه سازمان منافقین که از سال ۲۰۰۸ برگزار می‌شد را ممنوع کرد. راستی این نتیجه دیپلماسی التماسی است یا جهادی؟!

دوست‌بین

* دفتر عبدالحمید چه صلاحیتی دارد که در زاهدان، افرادی را بازداشت و اقدام به بازجویی از آنها کند؟ اگر برخورد اساسی با شخص کذابی مثل عبدالحمید که راس فتنه و عامل ناامنی در استان سیستان و بلوچستان هست، به تاخیر افتد هم در حق او جفا شده و هم درحق نظام اسلامی.

عمرانی

* موشک فتاح شیاطین و اذنابشان را یکی پس از دیگری از خواب بیدار می‌کند و اینک نوبت ماکرون، مدافع سرسخت منافقین است که امسال اجازه برگزاری تجمع سالانه به آنها نداد. درود بر روحیه جهادی و مرگ بر انفعال!

کچویی زاده

*در اخبار خواندم که فردی به نام حسین سلاح‌ورزی رئیس‌اتاق بازرگانی شده است. جالب این‌جاست که تا همین چند هفته قبل در فضای مجازی، هرچه خواسته به جمهوری اسلامی گفته. یعنی دقیقا همین چند ماه قبل که نیروهای حافظ امنیت این مردم در کف خیابان داشتند پر پر می‌شدند، ایشان در فضای مجازی همصدا با رژیم صهیونیستی و رسانه‌های ضدانقلاب مطلب منتشر می‌کرده است و به دلایل متعدد نتیجه استعلام‌های مربوط به او از مراجع اطلاعاتی و امنیتی منفی بوده است. اگر دوربین مخفی است بگویید ما هم به این وضعیت بخندیم، ولی اگر دارید تساهل می‌کنید به خون‌های ریخته شده آرمان علی‌وردی، سلمان امیراحمدی، پوریا احمدی، روح الله عجمیان و دهها شهید مظلوم دیگر در این چندماه فکر کنید، شاید در این رویه تجدید نظر کردید.

واثقی

* این روزها شبکه اینترنشنال پروپاگاندای خبری گسترده‌ای با موضوع ادعائی توافق ایران و آمریکا به راه‌انداخته تا شاید از این طریق بتواند خدمتی به منافع رژیم صهیونیستی کرده باشد!

یوسفی‌نژاد

* ماجرای کلاهبرداری علی کریمی ضد انقلاب از خواهرش که در حال حاضر به زندان افتاده بر همگان ثابت کرد براندازی تبدیل به دکان برای برخی از افراد شیاد و فاسد شده است. جریانی که شعار «زن، زندگی، آزادی» سر می‌دهند و امنیت کشور را به خطر می‌اندازند، در حقیقت درصدد هستند تا با این بهانه پولی به جیب بزنند و در خارج کشور به عیش و نوش بپردازند و برای این خواسته به نزدیکترین افراد به خود هم رحم نمی‌کنند.

فرامرزی

*در جمع براندازان جمهوری اسلامی یکی سر خواهرش کلاه گذاشته، دیگری فیش حجش جعلی است، یکی پول خانواده‌های کشته شدگان هواپیمای اوکراین را بالا کشیده، آن دیگری کلاهبردار از همه ملت است و در سن سالمندی هنوز دستش تو جیب مامانش است که پول‌های غارت شده از مردم ایران را در اختیار دارد. فرد دیگرشان هم مسئول کشتار ۱۷۰۰۰ تا ایرانی است، یکی‌شان هم درگروهک کومله صدها جوان ایرانی را سر بریده. ملیجک‌شان هم به اعتراف خودش در خانه پدرش چند بار حامله شده و الان هم از سیا حقوق دریافت می‌کند.

نواب

* در برخی از اختلاف نظرهای بین نمایندگان مجلس و وزارت کشور (بر سر ابلاغ یک بخشنامه) بررسی‌ها نشان می‌دهد حق با وزارت کشور است. در برخی استان‌ها، احتمالا برخی از نمایندگان برای کلنگ‌زنی، افتتاح و بازدید از پروژه‌ها به استانداری‌ها و فرمانداری‌ها فشار می‌آورند فشاری که بوی خوبی از آن به مشام نمی‌رسد. چه، این‌گونه تلاش‌ها برای دیده شدن در سالی است که در انتهای آن قرار است انتخابات مجلس برگزار شود. عدم اجازه به نمایندگان مجلس برای استفاده تبلیغاتی از پروژه‌های دولتی حق وزارت کشور است اما جلوگیری از انجام وظایف نظارتی نمایندگان مجلس قطعا در حوزه اختیارات وزارت کشور نیست. البته این ماجرا نشان داد برخی از نمایندگان هر کجا پای خودشان در میان باشد شمشیر از نیام می‌کشند.

فتاحی

* مهم‌ترین خطری که در زمان غیبت، ما شیعیان را به شدت تهدید می‌کند، خطر از دست رفتن اعتقادات صحیح و بی‌دین شدن است. ظهور امام زمان علیه‌السلام یعنی نابودی ابلیس! همان‌گونه که رخدادهای دنیا ما را به نزدیکی ظهور امیدوار می‌کند، ابلیس را به هراس می‌افکند؛ بنابراین شیطان در آخرالزمان در لحظات باقی مانده از واپسین ساعات تاریخ بشریت نیز غفلت نخواهد کرد و پُر قدرت‌تر از همیشه برای بی‌دین کردن مردم ظاهر خواهد شد.مواظب باشیم رفوزه نشویم.

غنی زاده

* روزنامه دیلی‌میل از مخاطبان خود خواسته تا بایدن و ترامپ را در قالب یک کلمه توصیف کنند. کلمه‌ای که بیش از سایر کلمات، بایدن را توصیف کرده «پیر» و کلمه‌ای که بیش از سایر کلمات، ترامپ با آن توصیف شده، «جنایتکار» بوده است! حاکمان خونریز و ظالم و قاتل هزاران بی‌گناه.

جهان‌پناه

* انفعال مسئولان در برابر توسعه روزافزون شبکه‌های مروج فحشا در فضای مجازی و نمایش خانگی از علل اصلی رواج ولنگاری و فساد و بی‌حجابی در جامعه است.

عطائی

*بعضی اصلاح‌طلبان مانند آقای مجید انصاری معتقد بودند زنان در کشور باید در پوشش مثل کشورهای خارجی آزاد باشند و لبنان را مثال می‌زدند. اکنون که در برخی گوشه وکنارها به این آرزوی خود رسیده‌اند، آیا خدا وکیلی احساس آرامش می‌کنند؟

حجازی از مازندران

*در مورد تغییر ساعت کاری ادارات، آن گونه که باید و شاید چندان افکار عمومی توجیه و اقناع نشده در نتیجه اجرای طرح مشکلات زیادی ایجاد کرده است که باید از سوی مسئولین امر مورد توجه و ملاحظه قرار بگیرد.

لاهوتی

*مدت‌هاست سهمیه بنزین تاکسی‌های اینترنتی واریز نشده است. وزیر نفت هم در این مورد می‌گوید اطلاعی ندارم.

فاطمی

* برخی کسبه و اصناف از مشتری می‌خواهند هزینه کالا را کارت به کارت کنند تا آنها مالیات ندهند. ولی ما کارمندان و کارگران حقوق نگرفته مالیات مان را کسر می‌کنند. با این وضع عدالت اجتماعی چه می‌شود؟

نعمتی

* باتوجه به نوسانات تورم، آینده بازار مسکن قابل پیش‌بینی نیست. اما امیدوار هستیم با اقدامات صورت گرفته و اهتمام وزارت راه برای اجرای قانون جهش تولید مسکن و گام برداشتن برای قانونمند کردن بازار اجاره بهای املاک مسکونی، اتفاقات خوبی در این بازار رقم بخورد.

نقدی

*از یک ماه قبل که شاهد وزیدن باد شدیدی در تهران و حومه بودیم تاکنون برق بخش‌هایی از شهرک فرهنگیان و فاطمیه واقع در روبه‌روی بیمارستان ۱۵ خرداد ورامین چندین بار در شبانه‌روز قطع می‌شود. چرا اداره برق این مشکل را برطرف نمی‌کند؟

تاجیک

* برخی قصابی‌ها، خارج از دید مشتریان به جای اینکه گوشت چرخ کنند و به مشتریان بفروشند، ضایعات گوشت و سنگدان مرغ را چرخ می‌کنند و ارزان‌تر می‌فروشند. لذا از مسئولان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان دامپزشکی انتظار می‌رود تمامی قصابی‌ها را ملزم کنند حتما گوشت را در مقابل مشتری چرخ کنند و بفروشند.

معین